(نگاهی به دفتر «حرفهایی برای نگفتن») ناگهان در آینه زیبای تا ابد

علی پور، محمد کاظم

1

شعر روزبه،حاصل روابط متقابل چند عامل است:اول،فردیت و بصیرت شاعر.

دوم،سیستم معرفتی خاص شاعر،که نوعا فلسفی و فرم‏گراست.

2

سر باز زدن از پذیرش معیارها و اندازه‏های شعر کهن و شکستن ساختارها و شالوده‏ها و نفی قراردادهای متعارف و معمول آن،در حقیقت خود نوعی اعتراض،شورش و عصیانگری هنر امروز است.این تقابل بین سنت و تازگی،باید برخاسته از درک ضرورتها و ویژگیها و مشخصه‏های شعر امروز باشد.شعر امروز نیاز به بررسی عمیق و تازه‏تری‏ دارد،تا از چند و چونهای معمول و کلیشه فراتر رود و دربرگیرندهء عطش سیری‏ناپذیر و نیاز زمانه باشد،تا بتواند در عرصهء هنر و ادبیات،پاسخ‏گوی و پرسشهای ابهام‏آمیز آن باشد.

شعر روزبه،خروج از زبان معیار در غزل دهه‏های پیش بود.هر چند کسانی چون‏ بهمنی،منزوی،بهبهانی و امین‏پور،تا حدودی توانستند به تجربیاتی دست یابند.

روزبه در موازات این شاعران،که در جست و جوی دست‏یابی به«زبان»و«قالب»تازه در غزل بودند.با همان فردیت خود،راهی تازه به روی شعر خود گشود.از طرفی سیستم‏ فکری روزبه،اصل تجربه شخصی،آموزش تفریحی،خلاقیت و آفرینش هنری او طی یک‏ دهه یا بیشتر و از طرفی دستگاه نظری او به لحاظ قرار گرفتن در موقعیتها ساخته و پرداخته‏ شده است.از آنجا که جامعهء ما یک جامعهء سنت‏گرا و مبتنی بر عادتهای زبانی خودش‏ است،بنابراین شاعران در تجریبات تازه‏شان،به یک‏باره با اقبال عمومی و همگانی رو به رو نمی‏گردند و پاسخ جامعه چون مبتنی بر عادت است.پاسخی خود به خود نزدیک به عادت‏ بدان می‏دهند.پس تقابل با زبان تازه یک امر بدیهی است و این در حقیقت مشکل شعر امروز است.

3

شعر روزبه ریش در دو عامل دارد:

الف)ادبیات شکوهند و فخیم فارسی،که یک پای کامل در سنت دارد.

ب)نگاه به جهان تازه و نو،که در تقابل با سنت قرار نمی‏گیرد.

این دو عامل باعث می‏شود،شعر روزبه،خوانندگان ویژه و خاص‏ خود را داشته باشد.مخاطب روزبه،خاص است نه عام و معمولا طبقات اجتماعی(کل مردم)را مخاطب قرار نمی‏دهد و در حقیقت به‏ نوعی ادبیات خاص مایل است،بی‏آن که نگرشی طبقاتی بن مایهء اندیشگی شعرش باشد.

به زعم برخی منتقدان و نظریه‏پردازان چون تی الیوت،تئودور آدورنو،هنر پیشرو و مدرن باید این خصیصه را داشته باشد؛«هنر مدرن،توانایی ایجاد ارتباط با مخاطبان بسیار،یعنی توده‏های مردم‏ را نداشته است.البته این نکته بدان معنا نیست،که هنرمند مدرن، خواهان این ارتباط نبوده است.»(1)

به هر روی شعر روزبه،به مصرف خاص می‏رسد.او با معرفت‏شناسی خاصی که دارد،کمتر به مسائل روز آن هم به شکل‏ سیاسی‏اش می‏غلتد.شاعری که فراتر از این چهار سوی جزمی‏گری‏ و دگماتیسم می‏اندیشد:

بیزارم از حقارت دنیای این چنین‏ کو عالمی فراتر از این چهار سو،کجاست

ص 12/شعر جست‏وجو

شعر روزبه،با همهء خاص‏گرایی مخاطبان،از آن چنان وسعتی‏ برخوردار است،که هرگز دچار ذهنیت تک ساختی و احساساتی‏ نمی‏گردد.

4

یکی از مؤلفه‏های شعر روزبه در دفتر«حرفهایی برای نگفتن» به ویژه در غزلیاتش،اعتراض است و این ویژگی از او شاعری معترض‏ می‏سازد،که در مقابل جهان و عناصر زشت و نازیبای آن می‏شورد.

آرامشم آبستن طوفان شگفتی‏ست. کو خلوتی از تندرو و کو بستر از موج

ص 25/شعر موج

دریغا عشق می‏ورزی ولی ایمان نمی‏زاید شگفتا باد می‏کاری ولی طوفان نمی‏روید

ص 42/شعر دریغ نامه انسان

5

روزبه در«غزل»،شاعری پیشنهاددهنده است.او تلاش می‏کند، تا به غزل روح تازه‏ای بدمد و از محدودهء سنت بسته غزل پا فراتر می‏نهد و می‏خواهد،بدعت‏گذار نوعی غزل شود.در شعر روزبه، کمتر نشانه‏ای از سیطرهء حضور غزل به سبک و سیاق غزل‏سرایان‏ عهدهای پیشین است.در شعر روزبه،«سنت»و«تازگی»در روند خود،به وجود آمده‏اند و شاعر سعی کرده،تمام هستی‏اش را به زبان‏ شاعرانه تبدیل کند و عمدهء تلاشش تحول در«زبان»است.

زاویهء دیگری که می‏توان به شعر روزبه،به ویژه غزلش گشود، حرکتها و گرایشهای آوانگارد است که در آن به چشم‏اندازهای تازه‏تر و متفاوتی می‏گراید،اما این تلاش،گاه محتاطانه است.شاید پشت‏ این گرایش میانه‏روانه،نوعی دلبستگی به همان موازین عهد پیشین‏ است،موازینی که بیشتر رنگ مایه‏ای تغزلی دارد و گاه از مردم‏ می‏گریزد و با ذهنیتی رمانتیک،اما پنهان بر ملا می‏شود.

به هر حال،این دلبستگی به دوران شکوهمند غزل فارسی است، که در ساختار و شکل شعر دیده می‏شود و کمتر به زبان روزمرهء کوچه‏ و خیابان و مردم کشیده می‏شود و در یک نگاه،می‏توان گفت:روزبه‏ شاعری ساخت‏گرا-فرم‏گرا-است،با درون مایه‏ای فلسفی و انسانی از یک طرف و کل‏نگری و جهان‏نگری از طرف دیگر،که‏ کمتر به مقولات کوچک می‏غلتد.«انسان»،جایگاه ویژه و اصیلی در شعر روزبه دارد،انسان به مفهوم کلی و اصلی‏اش و گاه با نیم نگاهی‏ به هستی و آفرینش:

ای ناگهان در آینه زیبای تا ابد لبریز شد دلم زتمنای تا ابد آه ای کدام لحظه روییده از ازل‏ در من طلوع کن به درازای تا ابد

ص 32

ای طلوع تا همیشه،ای شروع تا هنوز

عقربک‏وار از تمام لحظه‏ها آویختی

ص 31

من آواره ناکجایی‏ترین رد پایم‏ چه بی‏انتهایم خدایا،چه بی‏انتهایم

ص 26

6

روزبه به جز تأثیراتی که در پاره‏ای ترکیبات و جملات از شاعران پیشین معاصر می‏گیرد،به هیچ روی نمی‏خواهد، بصیرت و فردیت شاعرانه‏اش را از فرم و زبان و شناسنامه‏ دیگران وام بگیرد.

تاثیرپذیری در اغلب آثار شاعران دیده می‏شود.در بین‏ شاعران هم نسل هر زمانی،برای قضاوت باید مجموعه‏های‏ دوم و سوم و چهارم و...آنان را میزان قرار داد و مجموعه‏های‏ اول هر شاعری را باید به دیدهء اغماض و انطاف نگریست.با این وجود،روزبه‏ در«حرفهایی برای نگفتن»،شاعری صاحب شناسنامه است،اما در حوزه‏ ترکیبات و گاه مفاهیم،هم متاثر از اخوان،کدکنی و امین‏پور و هم متاثر از بودا،نتیچه،کافکا،شکسپیر،مخملباف و...می‏باشد.

ترکیباتی چون؛«مرغ آمین»،«قاصد روزان ابری»،«شاعر آیینه‏ها»، «قبای ژنده»،«ای آخرین صدای صداها»،«فقط صداست که»،«شهریار شهر سنگستان»،«باغ بلور»و...

7

روزبه،بدون هیچ ارفاقی شاعری مدرن و امروزی است.امروزه،«اندیشه‏ و فرهنگی را مدرن می‏خوانند که با نهادها،با آرمانهای مدرنیته و با خرد باوری و نیز با انسان باوری همراه باشد.به این ترتیب از دید این‏ نویسندگان،کار مهم و اصلی مدرنیسم،در گام نخست،دفاع از خرد باوری‏ مدرنیته است»(2)

روزبه،بی‏آنکه با باورهای سنت اعلام ستیز کند،تنها بر خرد باوری‏ مدرنیته تاکید می‏کند و این البته موجب مهجور ماندن شعرش در بین بعضی‏ مخاطبان می‏گردد و همان طور که پیشتر گفته شد،رفتار و گفتار و پندار شعر روزبه،اصولا عام گریز است.

تئودور آدورنو که از اندیشه‏گران مکتب فرانکفورت بود و از مدافعان جدی‏ و پر شور مدرنیسم هنری تلقی می‏شد،«مصائب انسان مدرن را نتیجه‏ مدرنیته دانست و تاکید کرد که هنرمند،علیه این مصیبتها و سرچشمهء آنها موضع دارد.»(3)به هر روی این اندیشه،عکس العمل و پاسخی معترض در مقابل مسخ و از خود بیگانگی انسان مدرن بود.همان گونه که چاپلین یکی از نمایندگان این تفکر،در«عصر جدید»،در مقابل ماشینیسم و حاکمیت‏ تکنیکی که انسان را به بیگاری و اسارت جدید«ماشین»می‏کشاند،عصیان‏ می‏کند که برآیند این عصیان در عصر جدید،با بازی طنز گونه‏ای بیان‏ می‏شود.

چراغی در مه آلود شب انسان نمی‏روید و فردایی از این خاموش بی‏پایان نمی‏روید من از قعر اساطیری‏ترین فریاد می‏نالم‏ چرا پژواکی از این خفته سنگستان نمی‏روید؟ تو گفتی:«جنگل اندیشه‏ها آبستن مردی‏ست» از این بوزینه خیز اما بر انسان نمی‏روید

ص 42/شعر دریغنامه

یا:

شهر تیره نگاه/شهر چشم‏های شیشه‏ای/شهر اشکهای دودی کلیشه‏ای/شهر با کلاس/شهر زندگانی‏ تمام اتو ماتیک/شهر مانکن و ماتیک/شهر قلبهای‏ هندسی/شهر عشقهای کامپیوتری/شهر گریه‏های‏ لوکس/شهر خنده‏های شیک

ص 64 و 65/شهر آشوب

یا:

بیا که در پس دیوارها دلم پوسید از این توالی و تکرارها دلم پوسید نگاه صیقلی‏ات کو در این تکدر سرد زبس تراکم زنگارها،دلم پوسید به چار گوشهء این عنکبوت خانهء کور میان کشمکش تارها دلم پوسید

ص 24/شبانه

8 نتیجه:

روزبه،در«حرفهایی برای نگفتن»شاعری است با اندیشه‏های شاعرانهء ناب.در شعر روزبه،«عشق»تبلور ناب رابطهء انسانی است.دوری از آرمان‏ گرایی‏های کاذب و دم دستی که راحت،روشن و ساده است،در شعر او دیده‏ نمی‏شود و نیاز به مکانیسمهای واسطه برای انتقال و تفسیر و توضیح دارد.

شک و تردید،پرسشگری،به کارگیری قیود و بسامد بالای آن در اشعار، طبیعت‏گرایی-ناتورالیسم-از ویژگیهای دفتر«حرفهایی برای نگفتن» است.«حرفهایی برای نگفتن»فاقد جغرافیاست،جغرافیا به معنای طبیعت و انسان پیرامون شاعر.در حالی که روزبه،به طبیعت پیرامون مازندانی شعر «نیما»تعلق نشان می‏دهد،به هیچ روی رد پای طبیعت«لرستان»را در شعرش نمی‏بینیم و حتی از مردم پیرامون شاعر در«حرفهایی برای نگفتن» خبری نیست.در حالی که روزبه،بیزار از زندگی کاذب امروزی،مظاهر نازیبای شهری را به ریشخند می‏گیرد.در شعر روزبه،نگاه تک ساختی‏ استالینیسمی وجود ندارد.درون مایه‏ای تراژیک،جان مایه شعر اوست و مردم‏گرایی به ویژه در اشعار سپید و در پاره‏ای غزلیات،از او شاعری با جهت‏گیری انسانی ساخته است.دیدار مرد بلوچ،بر باد،ما می‏رویم و...از این‏ نمونه‏اند.

در حرفهایی برای نگفتن،ضمن ترکیبات،قافیه‏ها و ردیفهای خاص، هندسه و فرم ویژه‏ای نیز وجود دارد که روزبه را سخت عاشق زیبایی و صورت‏ شعر نشان می‏دهد.

در اشعار نو،شدیدا متاثر از وزن و موسیقی است.آشنایی‏زدایی تازه در کلام،ترکیبات عاریتی همچون«الهه ناز»،«باغ بلور»و تاثیرات بدون ذکر همچون تاثیر از عبد الرضا فریدزاده،در شعر«آن جان بی‏غروب»،تقدیر گونگی و بی‏جغرافیایی و ته مانده‏ای از نهیلیسم،دغدغهء نان،تعهد و اجتماعیات،دریغ و حسرت و آرزو و...از ویژگیهای دفتر«حرفهایی برای‏ نگفتن»است.

منابع:

1.حقیقت و زیبایی،ص 34 بابک احمدی

2.حقیقت و زیبایی،ص 34

3.حقیقت و زیبایی،ص 35